مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق‌ها

پیکار

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹

سال دوم شماره ۶۱ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | ۱۲ صفحه ـ قیمت ۲۰ ریال

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی کردیم

مختصری درباره شرایط کنونی ما و انحراف براست در سازمان

پیش از یکسال از بحران داخلی سازمان ما در زمینه‌های سیاسی ـ ایدئولوژیک و تشکیلاتی می‌گذرد. پس از سپری شدن دوران سردرگمی و اختلاف نظرات، که عمدتا "بصورت اختلاف میان "کمیته مرکزی" و "هیئت تحریریه سابق کار" انعکاس یافت، پس از آنکه بدلیل عدم کفایت مباحث درونی سازمان بر روی مسائل مشخص سیاسی و خط و برنامه "کمیته مرکزی"، تشکیل شورای عالی سازمان را غیرعملی اعلام کرده و ۷ ماه پیش، با تشکیل پلنوم سازمانی ریشه‌های اصلی و راه حل بحران، مورد بحث قرار گرفت. در این زمان، که دیگر تضادهای ایدئولوژیک سیاسی نمودهای سازمانی یافته بود، تقسیم رفقای سازمان به دو جناح اقلیت و اکثریت سرخط

بقیه در صفحه ۲

درباره مسائل حاد و مبرم جنبش ما

درباره ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت

"مردم قبل از همه و پیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملا در دست کیست، باید تمام حقیقت را بمردم گفت" (لنین ـ در اطراف شعارها)

امروز در جامعه ما سخن از بحران سیاسی است که همه می‌خواهد و می‌تواند به آن بیندیشد. بحرانی که سازها و حواسهای سرخوردگی توده‌ها را عمیق و گسترش داده است

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۱ ـ صفحه ۲

چرا مبارزه ایدئولوژیک ....

بقیه از صفحه ۱

چگونگی برخورد دو موضع شان نسبت به مسائل بحران داخلی شکل مشخص تری بخود گرفت. معمولا بلنوم ، بدلیل مواضع انحرافی و برخوردهای غیر اصولی رفقای اکثریت که توسط "جناح اکثریت" کمیته مرکزی سازمان هدایت میشد ، در عمل ، نه تنها زمینه های مناسبی جهت حل صحیح بحران درونی سازمان فراهم نیآورد ، بلکه بر بستر تزلزل و ابهام ناشی از عدم آگاهی لازم و توهم اکثریت رفقای شرکت کننده نسبت به چگونگی مناسبات اصولی مابین جناح اکثریت و اقلیت درون سازمانی ، وضعیت و شرایطی را پدید آورد ، که دامنه بحران را هر روز گسترده تر کرد.

در بلنوم بحث در مورد علل بحران و راه خروج از آن ، نهایتا " بصورت دو تحلیل " کاملا متفاوت نسبت به ریشه های اصلی بحران و در نتیجه دو سیاست و دو خط مشی کاملا" متضاد در مورد راه حل بحران مطرح و برجسته شد:

" الف: در مبارزه ایدئولوژیکی که سازماندهی میشود ، میبایدازگام بگام به سازمان های مسلح جنبش و تدوین هدف و برنامه ، استراتژی و تاکتیک در جهت حل بحران حرکت کنیم . در طی این پروسه با انحرافات گذشته نیز برخورد خواهد شد در جریان تدوین هدف و برنامه ، استراتژی و تاکتیک (مرحله انقلاب ، برنامه انقلاب و .....) دیدگاههای مختلف و انحرافات چپ و راست خود را مشخص میسازند . صف بندیهای ایدئولوژیک ـ سیاسی که طی این پروسه مبارزه ایدئولوژیک بوجود میاید ، در کنگره تعیین تکلیف خواهند کرد.

ب : مبارزه ایدئولوژیک باید در برخورد با سیستم ایدئولوژیک مشی گذشته سازمان بر محور " تحکیم اصول " بمنظور دستیابی به یک مبنای ایدئولوژیک مارکسیست ـ لنینیستی سازمان باشد . طی این روند ماهیت تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان تهیه و تنظیم شده و با تصویب در مرکزیت با کنگره در سطح جامعه اعلام میگردد . پس از این پروسه میباید به تدوین هدف و برنامه ، استراتژی و تاکتیک پرداخت و کنگره را برای تصویب آن (هدف و برنامه ، استراتژی و تاکتیک) فراخواند.

ج : برای حل بحران ایدئولوژیک در دو روند بهم پیوسته زیر با تاکید بر تقدم و تاخر آن سازمان داده میشود.

۱ ـ با سیستم ایدئولوژیک گذشته بر محور " تحکیم اصول " و دستیابی به یک مبنای ایدئولوژیک حداقل مارکسیست ـ لنینیستی برخورد لازم صورت میگیرد . دستیابی به این مبنا برای حرکت اصولی و پیشرفت در وحدت سیاسی و تدوین هدف و برنامه ضرورت دارد . در پایان این روند ماهیت تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان جهت تصویب در کنگره تهیه و تنظیم میشود .

۲ ـ در ادامه مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته ، تدوین هدف و برنامه استراتژی و تاکتیک آغاز و ادامه می یابد . طی این روند با انکال تازه ابورتونیسم چپ و راست مبارزه شده و صف بندیهای احتمالی شکل خواهد گرفت. در پایان این روند کنگره فراخوانده شده و مصوبات آن ، مواضع ایدئولوژیک ـ استراتژیکی سازمان شناخته میگردد . گروهبندیهای ایدئولوژیک ـ سیاسی که طی این دو روند شکل گرفته اند در کنگره تعیین تکلیف خواهند نمود." (جزوه بلنوم) بند ج بتصویب رسید . در جمع بندی فوق بدالف . نظر اقلیت و بند ب و ج (گرچه تفاوتهائی دارند ، اما در اساس یکی هستند) نظر اکثریت سازمان بود . محتوای مباحثات بلنوم نشان میدهد که ما از لحاظ سیاسی ـ ایدئولوژیک ریشه اصلی بحران را در تضاد بین دو دیدگاه یکی متکی بر مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی و دیگری متکی بر اپورتونیسم و تبلیغ دنباله روی از حوادث ارزیابی کردیم . این دو جریان در طول پروسه و هنگام برخورد با مسائل مختلف سیاسی ، لزوما " تضادهای خود را آشکار میکردند . بطوریکه ملاحظه میکنید در بلنوم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط حاد سیاسی حاکم بعد از قیام ، ما را بر آن میدارد که مبارزه ایدئولوژیک بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی ، تعیین استراتژی سیاسی و وظایف مبرم و تاکتیکی کمونیستها متمرکز و سازماندهی کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت بکارگیری تاکتیک مسلحانه (درگذشته)

بقیه در صفحه ۱۰

خطاب به ...

بقیه از صفحه ۱

و سیاسی موجود نا توانی این رژیم را بار هم بیشتر خواهد کرد و بر عمق و وسعت تضادها خواهد افزود . در این شرایط وظایف نیروهای انقلابی بسیار حساس است و ضرورت دارد که ارزیابی عینی و درستی از وضعیت واقعی نیروهای طبقاتی داشته باشیم تا بتوانیم بوظایف خود بنحو صحیح عمل کنیم و در جهت تغییر انقلابی این وضعیت اقدام کنیم بنظر ما جنبش کمونیستی ایران در یک بحران ایدئولوژیک ـ سیاسی بسر می برد . "کمیته مرکزی" سازمان ما با موضع گیریهای انحرافی اش بدین بحران دامن زده و مانع پیشرفت خط مشی انقلابی در جنبش شده است و در نتیجه یکی از مهمترین موانع حرکت بسمت وحدت جنبش کمونیستی ایران بشمار می آید . این یک واقعیت تلخ است . اما باید این واقعیت را پذیرفت تا بتوان در جهت حل بحران حرکت کرد . اختلافات ما و " کمیته مرکزی" سازمان یک سری اختلافات جزئی نبود . بلکه این اختلافات در اساس مبتنی بر درک و بینش و دو خط مشی بود که تحلیلات گوناگون می یافت . مسئولیت

بقیه در صفحه ۱۰

مبارزه ایدئولوژیک علنی گامی است در جهت وحدت جنبش کمونیستی

www.iranarchive.com

سه شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۱۶- صفحه ۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره ترکیب و ...

بقیه از صفحه ۱

حقیقت را بمردم گفت، روس بزرگ را در قبال آن مشخص کرد و موضع معینی نسبت بآن اتخاذ نمود.

اگر سالگس، قدرت دولتی عملا در دست بورژوازی است، باز هم باید آشکارا حقیقت را به مردم گفت و آنها را از حقیقت امر آگاه ساخت.

امروز که سکتاریستهای اندکی از قیام می‌گذرد، "کمیته مرکزی" سازمان ما علیرغم اشارات جسته و گریخته خود به "وجود عمده خرده بورژوائی" حاکمیت "ازدادن پاسخ صریح و قطعی بمسئله قدرت دولتی طفره رفته است و هیچگاه نه باین مسئله پاسخ داده که قدرت دولتی عملا در دست کیست و نه در قبال آن موضع روشن، صریح و معینی را اتخاذ کرده است. این سیاست که با گرایش براست و دنباله روی از سرحوادث و تبعیت کورکورانه از جنبش خودبخودی همراه بوده است ابورتونیسم آشکار محسوب میشود. بنابراین با این سیاست ابورتونیستی که عمده‌ای خرده به وارد آوردن به سازمان، جنبش کمونیستی و جنبش توده‌ای میخواهد داشت باید بمبارزه‌ای جدی برخاست. ما در این مقاله رئوس کلی نظر خود را نسبت به حاکمیت موجود ارائه می‌دهیم و تحلیل مفصل آنرا بزودی در "نبرد خلق" منتشر خواهیم ساخت. حاکمیت موجود که از ترکیب جهت طبقاتی "ارگان سازشی" است مرکب از نمایندگان فراکسیونهای مختلف بورژوازی و نمایندگان خرده بورژوازی، در حین انجام این وظایف پیش از هر چیز مستلزم آنست که باسخ قطعی و صریح به مسئله قدرت دولتی داده شود. بدون پاسخ باین مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام طبقه است؟ و دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقه‌ای دفاع میکند؟ نه تنها از پاسخگوئی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف خود سازمی مانیم، بلکه به سردرگمی و سلانتکلیفی حاکم بر جنبش دامن زده و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و جنبش توده‌ای وارد خواهد آمد.

> ● بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام طبقه است؟ و دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقه‌ای دفاع میکند؟ نه تنها از پاسخگوئی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف خود سازمی مانیم، بلکه به سردرگمی و سلانتکلیفی حاکم بر جنبش دامن زده و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و جنبش توده‌ای وارد خواهد آمد.

اگر براستی قدرت دولتی عملا "در دست خرده بورژوازی است و حاکمیت موجود [illegible] طبقاتی ست [illegible] صریحا

هنگامیکه پس از قیام یک بحران اقتصادی و سیاسی ژرف سراسر جامعه را فرا گرفت و توده‌ها دست بسنگر حرکت مستقل تاریخی زدند، هنوز صدمه‌ای متوجه طبقاتی در جنبش شکل نگرفته بود. دیکتاتوری و اختناق هولناک چندین ساله که یکی از موانع اصلی شکل و آگاهی طبقه کارگر و سایر توده‌های مردم بود تاریخ مخرب خود را بر آورده سازمانهای سیاسی و نه طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی با هنوز بدست نیامده بودند و با فقدان بورژوازی کانک و همه جامعه با این طبقات و اقشار بودند. بنابراین هنگامیکه شدند تضادهای درونی سیستم موجود که از یکسو بخاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتیشان با بورژوازی بویژه نزدیکی شان به اپوزیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایشهای شدیدا" قشری و مذهبی، عناصری کاملا" متزلزل، محافظه‌کار و فاقد پیگیری لازم بودند هنگامیکه در راس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند، خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها سراسیمه افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند.

> ● ... نمایندگان خرده بورژوازی سنتی که از یکسو بخاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتیشان با بورژوازی بویژه نزدیکی شان به اپوزیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایشهای شدیدا" قشری و مذهبی، عناصری کاملا" متزلزل، محافظه‌کار و فاقد پیگیری لازم بودند هنگامیکه در راس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند، خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها سراسیمه افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند.

قیام شکل گرفت. این ارگان سازش، محصول درجه معینی از تکامل مبارزه طبقاتی و تناسب نیروهای اجتماعی در شرایط خودویژه یک برآمد توده‌ای پس از سالها دیکتاتوری و اختناق بود.

وحدت تضادهای طبقاتی جامعه را سوی یک انفجار قهرآمیز سوق می‌داد. قعدان صفبندی مشخص طبقاتی در سطح جنبش باعث شد که صف نیروهای انقلابی از نیروهای ضدانقلابی متمایز نشود. در این شرایط از سطح مبارزه طبقاتی رهبری بطور کامل در اختیار نیروهای سازشکاری قرار گرفت که از حداقل تشکل لازم و امکان بهبود سازمانهای توده‌ها برخوردار بودند. بعض مذهب و اعتقادات مذهبی مردم - و بطور کلی خرده بورژوائی که سراسر جامعه را فرا گرفته بود، باین نیروها که از جهت موضع گیری و بالاخره طبقاتی به قشر خرده بورژوازی سنتی تعلق داشته، امکان داد که هژمونی خود را بر موقعیت خود و بویژه تاریخی جریانهای طبقاتی بکلی متفاوت و ناهمگون از اپوزیسیون بورژوائی ضد انقلابی و ضد خلقی گرفته تا اپوزیسیون انقلابی و خلقی در یک صف قرار گرفتند. در چنین شرایطی از سطح مبارزه طبقاتی رهبری بطور کامل در اختیار نیروهای سازشکاری قرار گرفت که از حداقل تشکل لازم و امکان بهبود سازمانهای توده‌ها برخوردار بودند. بعض مذهب و اعتقادات مذهبی مردم - و بطور کلی خرده بورژوائی که سراسر جامعه را فرا گرفته بود، باین نیروها که از جهت موضع گیری و بالاخره طبقاتی به قشر خرده بورژوازی سنتی تعلق داشته، امکان داد که هژمونی خود را سر

بقیه در صفحه ۵

استقلال - کار - مسکن - آزادی

www.iran-archive.com

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم شماره ۱۶ صفحه ۴

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اپورتونیسم و...

بقیه از صفحه ۱

از تقسیم قطعی جهان، منظور از قطعی در اینجا این نیست که تجدید تقسیم امکان پذیر نیست برعکس تجدید تقسیم امکان پذیر و ناگزیر است، منظور از قطعی اینستکه سیاست استعماری کشورهای سرمایه‌داری تصرف ارضی اشغال نشده را در سیاره ما بسیار محدود رسانده است. جهان برای نخستین بار کاملا "تقسیم شده است و بعد از این باید فقط تجدید تقسیم شود..." لذا در این واقعیت تردیدی نیست که انتقال سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری انحصاری و سرمایه مالی با تشدید مبارزه بر سر تقسیم جهان مربوط است." (لنین امپریالیسم آخرین مرحله... تاکید ها از لنین است).

جنگ جهانی اول که محصول حدت یافتن تضاد بین امپریالیستها برای تقسیم مجدد جهان بود با شکست امپریالیسم آلمان و متحدینش و قدرت گرفتن امپریالیسم آمریکا و پیروزی اولین انقلاب سوسیالیستی جهان رسید.

امپریالیسم آمریکا بتدریج نیرومندتر می‌شد و قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری می‌یافت. در طول جنگ دوم جهانی که به شکست امپریالیسم آلمان و دیگر متحدینش ایتالیا و ژاپن و آزاد شدن بخشی از جهان از یوغ ستم امپریالیسم و قدرت گرفتن بلوک کشورهای سوسیالیستی انجامید امپریالیسم آمریکا خدمات بسیار کمی داد و پس از جنگ جهانی دوم با رشد سریعی که سرمایه‌های آمریکا کرده بود و مستعمرات و نیمه مستعمراتی که به جنگ آورده بود، به قدرت سیاسی و اقتصادی درجه اول و سرتر جهانی و امپریالیسم مسلط تبدیل شد و نقش ژاندارمی را در سطح جهانی بعهده گرفت.

امپریالیسم آمریکا با تکیه بر قدرت اقتصادی و نیروهای نظامی و شبکه‌های جاسوسی نظیر سیا وغیره و تقویت دولت‌های نظامی دست نشانده خویش و توسل به زور و سرکوب خشن جنبش‌های رهائیبخش به دشمن عمده خلقهای سراسر جهان تبدیل شد. سرکوب خلقهای ویتنام، کره و... نمونه‌های بارز سرکوب ارتجاعی نیروهای انقلابی جنبش‌های رهائیبخش توسط امپریالیسم آمریکاست.

پس از جنگ دوم جهانی صدور سرمایه افزایش سابقه‌ای پیدا کرد و فقط در دهه اول پس از جنگ میزان سرمایه‌گذاریهای خارجی انحصارات آمریکائی از رقم سرمایه‌گذاریهای این انحصارات شا آن زمان تجاوز کرد. این سرمایه‌گذاریها زمینه وسیعی برای سرمایه‌های متراکم شده در بانکها بود.

انحصارات امپریالیستی آمریکائی پس از جنگ رشد بیسابقه‌ای کردند و تبدیل به انحصارات بین‌المللی غول پیکری شدند که صدها هزار انسان را در تأسیسات مختلف صنعتی، بازرگانی و مالی خویش بکار گرفته و سودهای بیکرانه‌شان از غارت و استثمار خلقهای جهان اکنون سرسام میلیاردها دلار میزند.

> اپورتونیسم دست اتحاد بسوی نمایندگان بورژوازی ملی دراز می‌کند، با آنها سر سازگار و وحدت می‌نشیند و... با این عمل خویش به توهم توده‌ها دامن می‌زنند.

رقابت انحصارات برای کنترل بازارهای جهانی منجر به ایجاد کارتلهای جهانی، نظیر کارتلهای فولاد، نفت وغیره شد و سرازیر شدن سرمایه‌های آمریکائی به ژاپن و اروپای غربی و تشکیل کنسرسیوم‌های بین‌المللی مختلط، تقسیم اقتصادی جهان هرچه بیشتر تکامل یافت.

تحولات پس از جنگ جهانی دوم، لزوم صدور فزاینده سرمایه‌های انباشته شده، رشد و تکامل تکنیک و اتوماسیون و در نتیجه لزوم نوعی تقسیم جدید کار بین‌المللی، صدور سرمایه به کشورهای تحت سلطه و نیاز به گسترش بازار داخلی این کشورها و همراه با آن رشد و گسترش روابط سرمایه‌داری را در این جوامع ضروری ساخت.

این سرمایه‌گذاریهای وسیع موجب رشد سریع بورژوازی وابسته و دگرگونی در ساخت اقتصادی ـ اجتماعی جوامع تحت سلطه شد، و روابط جدیدی بین کشورهای امپریالیستی و تحت سلطه بوجود آورد. امپریالیسم آمریکا در جهت اقتصادی، نظامی و سیاسی بر امپریالیست‌های دیگر تفوق یافته بود، حامی روابط نواستعماری در کشورهای تحت سلطه گردید.

دلایل اتحاد جنبش سیاستی از جانب امپریالیسم آمریکا علاوه بر علتهای اساسی که در فوق برشمردیم خطری بود که از جانب جنبش‌های رهائیبخش ضد امپریالیستی سلطه امپریالیسم را تهدید می‌کرد. این جنبش سیاستی میتوانست سمتگیری به روشی در مقابله با این جنبش‌ها بکار گرفته شود. در این روابط نوین استعماری استثمار خلقهای تحت سلطه اشکال پوشیده‌تری بخود می‌گیرد و سلطه سیاسی آشکار امپریالیسم‌های خود را به سلطه غیر مستقیم و از طریق پایگاه داخلی آن، بورژوازی وابسته میدهد.

همراه با رشد بورژوازی وابسته و برقراری مناسبات سرمایه‌داری وابسته از سوئی بخشی از بورژوازی ملی در جهت وابستگی کانالیزه می‌شود و بخش دیگر آن روستا سودی میگذارد و از سوی دیگر طبقه کارگر از لحاظ کمی بسرعت رشد می‌یابد. در ساحت اقتصادی روستاها نیز تغییرات اساسی صورت می‌گیرد. با رفرم‌های مختلف ارضی و الغاء فئودالیسم، در میان دهقانان تجزیه طبقاتی صورت می‌گیرد و دهقانان به اقشار مختلف تقسیم می‌شوند در ترکیب خرده بورژوازی نیز دگرگونی‌های وسیعی رخ میدهد.

این دگرگونیها شکل بندی طبقاتی نوینی را در این جوامع بوجود آورد. طبقه کارگر از لحاظ کمی افزایش یافت و گسترده شد و نه تنها از لحاظ کیفی بلکه همچنین از نظر کمی به نیروی تعیین کننده‌ای بدل شد. همراه با رشد طبقه کارگر وحدت یافتن

بقیه در صفحه ۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

www.iran-archive.com

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۱- صفحه ۵
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره ترکیب و ...

بقیه از صفحه ۲

متوسط وارسوی دیگر گرایش های شدیدا گذری و مذهبی، عناصری کاملا متزلزل، محافظه کار و فاقد پیگیری لازم بودند هنگامیکه در راس جنبش توده ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند، خود ثابت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روز افزون جنبش و حرکت انقلابی توده ها سراسیمه افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند. رهبری جنبش گرچه در مواردی علیه دیکتاتوری شاه قاطعیت خود را در عمل نشان داده، اما بخاطر همان خصلت های طبقاتی و ویژگیهای شدیدا مذهبی ضدکمونیستی و ضد دموکراتیک فاقد قاطعیت لازم در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه های وابسته بود.

موقعیت بورژوازی و امپریالیسم در چنین مرحله ای از تکامل جنبش که مبارزه توده ها علیه رژیم حاکم مدام گسترش و شدت می یافت و ضعف و ناتوانی هیئت حاکمه بیش از پیش آشکار می شد، بگونه ای بود که سلطه آنها با خطری جدی روبرو شده بود. بنابراین در این حال برای آنها نیز بهترین و ممکن ترین راه نجات سازش با نیروهای رهبری کننده جنبش بود.

پس می بینیم که در آستانه قیام بعلت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص، فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان تشکل و آگاهی توده ها، فقدان سازمانهای سیاسی انقلابی که با توده های خود ارتباط وسیعی داشته و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده ها و مبارزه اوج گیرنده آنها، زمینه های عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرده بورژوائی جنبش را فراهم ساخت.

> ● ...در آستانه قیام بعلت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص، فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان تشکل و آگاهی توده ها، فقدان سازمانهای سیاسی انقلابی که با توده های خود ارتباط وسیعی داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده ها و مبارزه اوج گیرنده آنها، زمینه های عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرده بورژوائی جنبش را فراهم ساخت.

ارگان سازش شود. در این حاکمیت که از ترکیب طبقاتی از سیر و های وابسته به قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا بورژوازی متوسط) تشکل شده بود، بست های حساس و مراکز مهم دستگاه دولتی عملا بدست بورژوازی افتاد. بدین طریق همگامیکه مردم در حال سرباز کردن سازمانها در کارخانه ها و نیز حمله به بادگانها و مراکز سرکوب و ستم بودند نمایندگان بورژوازی ماشین دولتی را بین دو ارگان بورژوائی تقسیم کردند. اما در همین لحظات قیام خود انگیخته توده ها برخی از مجاسات و معادلات مربوط به انتقال مسالمت آمیز قدرت را برهم زد. نتیجه آورد، با سرمت سازی ارگانها و نهادهای خرده بورژوازی را افزار کرد، پایه های مادی سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته یعنی مناسبات سرمایه داری وابسته را حفظ کرد.

> ● مارکسیسم - لنینیسم بما می آموزد و تجربیات انقلابهای جهانی بدفعات صحت آنرا باثبات رسانده است که هنگامیکه سران خرده بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نسبت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله رو بورژوازی تبدیل می کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را می گیرند.

قیام و ورود آمدن مردم با سلاح به ارگانها و نهادهای بورژوائی و همچنین کاهش یافتن نفش بورژوازی بزرگ در ارگان سازش تحت فشار توده ها بود. و قیام و مسلح شدن توده ها دگرگونی بود که ناشی از خود را بر حریان حوادث برجای بگذارد و این همان سلی است که بعول نارگان بجای باران آمد. سیاست ها و عملکردهای این حاکمیت و شیوه ای که در قبال توده ها و انقلاب در پیش گرفت و اقداماتی که تا به امروز انجام داده است آنگاه را ماهیت و خصلت طبقاتی بورژوائی آنرا نشان می دهد. این حکومت از همان روزهای نخستین سعی در جلوگیری از رسیدن خود در جهت متوقف کردن دامنه قیام گام برداشت. ارتش را بهدام کامل ارگانها و نهادهای رژیم گذشته بوسیله توده های قیام کننده ممانعت بعمل می کوشیدند بست های مهم و حساس دولتی را تصاحب کنند. رهبری خرده بورژوائی جنبش پس از سازش با تائید و حمایت از دولت بازرگان و شورای انقلاب میخواست بشکل مسالمت آمیز و با حداقل اصلاحات ممکنه در ارگانها و نهادهای رژیم گذشته مالکیت بورژوازی را خدشه محترم و تعرض ناپذیر اعلام کرد و بالاخره در مقابل کارگران از سرمایه داران و در برابر دهقانان از زمینداران دفاع پرداخت. این حکومت از همان نخستین روزهای قیام بسیاری از بنیادهای مهم و مراکز حساس در دستگاه دولتی یعنی در ارتش و بوروکراسی را بدست نمایندگان بورژوازی و بسیاری از هواداران و سرسپردگان رژیم سرنگون شده سپرد و سازماندهی نهادهای سپاه، بورژوائی و نهضت به حلقه های تحت ستم ایران، تلاش در جهت درهم کوبیدن دست آوردهای انقلابی توده ها نظیر شوراها، محدود کردن و پایمال کردن حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را پیشه خود ساخت. بقول لنین:

"...این حکومت در حالیکه بیان خود را در

بقیه در صفحه ۷

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

www.iran-archive.com

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۱۶- صفحه ۶

اپورتونیسم و...

بقیه از صفحه ۴

تضاد کار و سرمایه، نقش طبقه کارگر و هژمونی‌اش در جنبش های رهائیبخش اهمیت اساسی و قاطعی یافت و زمینه‌های عینی جنبش مستقل و متشکل طبقه قدرتمندتر شد و مبارزه طبقه کارگر و خلق زحمتکش علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته براساس طبقاتی جایگزین مبارزه علیه امپریالیسم بورژوایی های ملی گردید.

اگر جنبش های رهائیبخش تا پیش از چنین تغییراتی، سلطه امپریالیسم و روابط فئودالی و نیمه فئودالی و مناسبات ماقبل سرمایه‌داری را هدف اصلی قرار می‌داد، پس از این دگرگونیها بورژوازی وابسته و سلطه سیاسی اجتماعی آن و مناسبات سرمایه‌داری وابسته هدف بلاواسطه جنبش های رهائیبخش قرار میگیرد و مبارزه علیه سلطه امپریالیسم به موثرترین شکل خود ارکانال مبارزه علیه بورژوازی وابسته ماهیت می‌یابد. مبارزه علیه ستم ملی به مبارزه علیه سلطه اجتماعی بورژوازی وابسته و ستم طبقاتی و روابط استثمارگر تکامل می‌یابد و مبارزه ضد امپریالیستی بر پایه‌های قدرتمند مبارزه طبقاتی پرولتاریا گسترش می‌یابد و مبارزات رهائیبخش حصلت مبارز طبقاتی بخود می‌گیرد. تنها با درک دقیق و همه جانبه از مضمون مبارزه ضد امپریالیستی در شرایط تاریخی کنونی است که قادر خواهیم شد طبقه کارگر ایران را در مبارزه ضد امپریالیستی‌اش رهبری کنیم، متحدین طبقه کارگر دوستان و دشمنان خلق را بدرستی تشخیص دهیم دشمن اصلی و جهت ضربه آوردن ضربه اصلی را تعیین کنیم و در جهت برقراری هژمونی پرولتاریائی در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق گامهای اساسی که پیش رو داریم و شعارهای مشخص را با توجه به تحلیل اوضاع و احوال سیاسی تعیین کنیم که اتحاد خلق حول آن شعارها نه تنها وحدت جنبش ضد امپریالیستی را در ایران ممکن خواهد ساخت، بلکه همبستگی و اتحاد انترناسیونالیستی طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران را با طبقه کارگر و خلقهای تحت سلطه امپریالیسم پرولتاریای پیروزمند کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته امپریالیستی را به مشخص‌ترین شکل برپایه این رهنمودلنین عملی خواهد کرد که میگفت:

"شما باید اشکال ویژه‌ای برای اتحاد پرولتاریای پیشرو جهان با توده های کارگر استثمار شده شرق بیابید" (لنین جلد ۳)

اپورتونیزم علیرغم بدبرش تقسیم حقیقی جهان توسط انحصارات امپریالیستی و تقسیم مجازی آن توسط دولتهای امپریالیستی مبارزه علیه امپریالیسم را در وراء مرزهای ملی جستجو می‌کند و مبارزه علیه دولتهای امپریالیستی را بجای مبارزه علیه سلطه اجتماعی-اقتصادی و سیاسی امپریالیسم که ارکانال بورژوازی وابسته بمثابه پایگاه داخلی امپریالیسم صورت می‌گیرد می‌نشاند. اپورتونیسم بعوض آنکه سمت اصلی جنبش ضد امپریالیستی را متوجه سلطه بورژوازی وابسته و قدرت سیاسی آن کند، بسوی مبارزه علیه روسای جمهوری دولتهای امپریالیستی و سفارتخانه‌های آن می‌کشاند و عملاً مبارزه علیه سلطه حقیقی امپریالیسم را به مبارزه علیه سلطه مجازی آن تبدیل می‌کند. اپورتونیسم با تحریف مضمون واقعی مبارزه ضد امپریالیستی و تهی ساختن آن از مضمون طبقاتی‌اش، مبارزه ضد امپریالیستی را در تقابل با مبارزه طبقاتی قرار میدهد و با کندکردن لبه تیز مبارزه طبقاتی، جنبش ضد امپریالیستی را تضعیف می‌کند و به تبلیغ سازش طبقاتی می‌پردازد و با چنین نیتی دست اتحاد بسوی نمایندگان بورژوازی وابسته دراز می‌کند، با آنها سر میز گرد وحدت می‌نشیند و با اصطلاح میخواهد در ارتباط با این نیروها با امپریالیسم "مبارزه" کند و با این عمل خوبش به توهم توده‌ها دامن می‌زند و دشمن داخلی را از انظار توده‌ها پنهان می‌کند و راه را برای نمایندگان بورژوازی هموار میسازد که اکنون با تایید سران خرده بورژوازی بر مسند قدرت نشسته‌اند و برای بازسازی ارگانهای ضربه خورده بورژوازی و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته تلاش می‌کنند

> اپورتونیسم از کارگران و دهقانان و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میخواهد که علیه قدرت دولتی و بورژوازی مبارزه نکنند تا مبارزه ضد امپریالیستی "تقویت" شود و

اپورتونیزم مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها را که در مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران وابسته و حامیان آنها در تلاش کارگران برای ایجاد شوراهای واقعی و دیگر اقدامات مستقیم و انقلابی کارگران، در مبارزه دهقانان برای مصادره زمینها ی ملاکان و زمینداران بزرگ و ایجاد شوراهای دهقانی در مقاومت دهقانان در برابر سرکوب و اجحافات ارگانهای دولتی در مبارزه زحمتکشان برای کار، مسکن و آزادی در مبارزه خلقهای تحت ستم کرد و ترک و ... برای تامین حق سرنوشت خویش و ... به مؤثرترین شکل بطور عینی گسترش می‌یابد، نادیده می‌گیرد و برخی اقدامات ضد امپریالیستی از قبیل تصرف سفارت و گروگانگیری و غیره ... را اقدامات اساسی ضد امپریالیستی می‌شمارد و حاکمیتی را که "عملاً" سد راه تکامل مبارزه ضد امپریالیستی گشته، "در" وجه غالب خرده بورژوائی" خلقی و ضد امپریالیست ارزیابی می‌کند و از طبقه کارگر می‌خواهد که رهبری مبارزه طبقاتی را به چنین حاکمیتی واگذار کند.

اپورتونیزم که اعتقادی به توده‌ها و مبارزه طبقاتی پرولتاریا ندارد بعوض اتکاء بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا و توده‌های زحمتکش میخواهد با تکیه بر قدرت دولتی، یکه "عملاً" در دست بورژوازی است با امپریالیسم "مبارزه" کند و بدنبال "متحدینی در هیئت حاکمه" میگردد و با چنین هدفی حاکمیت را بدو جناح خلقی و ضدخلقی تقسیم می‌کند تا با جناح خلقی علیه جناح ضدخلقی و امپریالیسم متحد شود. حال آنکه نمایندگان خرده بورژوازی سنتی مرفه در حاکمیت پس از سازش با بورژوازی "عملاً" قدرت دولتی را به بورژوازی واگذار کرده‌اند و بر سیاست های بورژوائی و سرکوبگرانه ارگانهای قدرت دولتی و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و ارگانهای

بقیه در صفحه ۹

www.iran-archive.com

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۱- صفحه ۷
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره ترکیب و ...

بقیه از صفحه ۵

پس پرده عملیات انقلابی پنهان میدارد، هواداران بساط کهن را به مفاسدهای حساس میگمارد. این حکومت میکوشد تمام دستگاه ماشین دولتی (ارتش، پلیس و دستگاه اداری) را حتی المقدور با اطلاعات کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید دست بکار این شده است که به هر وسیله‌ای شده از اقدام انقلابی عملیات توده‌ای و تصرف قدرت از باشین بتوسط مردم که یگانه تضمین موفقیتهای واقعی انقلاب است جلوگیری نماید" (لنین: وظایف پرولتاریا در انقلاب) همه این اقدامات کلا" درجهت تحکیم سلطه بورژوازی است. آشکار، ماهیت بورژوائی حاکمیت را نشان میدهد.

اما اکنون باید به مسئله‌ای پرداخت که هنوز درجنبش ما برای عده‌ای لاینحل باقی مانده است و آن نقش خرده بورژوازی در ارگان سازش است. سوالاتیکه در این حا مطرح میشود و اختلافاتی که پیش می‌آید این است که:

در ارگان سازش قدرت واقعی عملا" در دست کدام قشر است؟ آیا سازش نمایندگان خرده بورژوازی با بورژوازی (با هر شیئی که صورت گرفته باشد) میتواند منافع واقعی خرده بورژوازی را تامین کند؟

> در این حاکمیت که از لحاظ ترکیب طبقاتی از نیروهای وابسته به قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا "بورژوازی متوسط) تشکیل شد، پستهای حساس و مراکز مهم دستگاه دولتی عملا" بدست بورژوازی افتاد.

مارکسیسم- لنینیسم به ما میآموزد و تجربیات انقلابهای جهانی بدفعات صحت آنرا به اثبات رسانده است که هنگامیکه سران خرده بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را از پایه و دسالهٔ رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را میگیرند. آنها در نهایت امر امتیازاتی بنفع قشر فوقانی خرده بورژوازی میگیرند که خود در امر رفرمهای بورژوائی نشان میدهد. لنین در این باره مینویسد:

"... دمکراتهای خرده بورژوا بویژه رهبری آنها بدنباله روی از بورژوازی تمایل دارند، رهبران دمکراتهای خرده بورژوا توده‌های خود را با وعده و وعید و اطمینان به اتکاء دستیابی بتوافق با سرمایه‌داران بزرگ تشویق می‌دهند و در بهترین حالات از سرمایه‌داران برای بخش فوقانی کم‌عده توده‌های خود امتیازاتی ناچیز محدودی میگیرند. اما در مورد هر مسئله قطعی و مهم، دمکراتهای خرده بورژوا همیشه دنباله رو بورژوازی بوده‌اند و بشکل زائده نا توان آن و آلت مطیعی در دست سلاطین مالی درآمده‌اند" (لنین: درسهای انقلاب)

در جامعه ما نیز سازش نمایندگان و سران خرده بورژوازی سنتی مرفه با هر نیتی و با هر قصدی که صورت گرفته باشد در ماهیت امر تغییری نمی‌دهد. نیروئی که راه مذاکره و سازش با خلق و ائتلاف با بورژوازی را بر اتحاد با نیروهای انقلابی ترجیح می‌دهد و قدرت واقعی را عملا" به بورژوازی می‌سپرد، نیروئی که مانع درهم شکسته شدن ارگانهای سرکوبگر بورژوازی و دستگاه اداری و نظامی آن می‌شود و توده‌ها را از قیام منع می‌کند، نیروئی که از فردای قیام مدام اعتماد به بورژوازی را به مردم تلقین می‌کند و آنها را به اطاعت از بورژوازی وا می‌دارد، و در هر امر قطعی و مهم تا کنون جانب بورژوازی را گرفته است، با هر نیتی هم با بورژوازی سازش کرده باشد، عملا" در خدمت بورژوازی قرار گرفته است به قول معروف "راه جهنم نیز با نیات حسنه مفروش شده است". سابر این با توجه به این مسئله که آیا این سازش با "نیات حسنه" و یا "سوء نیت" صورت گرفته است، فاقد اهمیت عملی ست و در ماهیت حاکمیت و نقش خرده بورژوازی، در آن تغییری نمی‌دهد. البته باید در نظر داشت که سازش نمایندگان واقعی قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی با بورژوازی از طریق گرفتن امتیازاتی عملی شد، امپریالیسم و بورژوازی با توجه به پایگاه توده‌ای رهبری خیش و با توجه به سطح مبارزه توده‌ها، مجبور بودند که در سازش تن به عقب نشینی‌هائی بدهند تا بتوانند سیستم موجود را نجات دهند و خیش را به انحراف بکشانند. بنابراین با پذیرش برخی اصلاحات مورد نظر رهبری خرده بورژوایی خیش و دادن امتیازات ویژه به روحانیت تن بسازش دادند. امتیازاتی هم که بنفع توده‌های خرده بورژوا گرفته شده از حدود رفرمهای بورژوائی تجاوز نکرده است. در این زمینه رفرمهای بورژوائی ارگان سازش در زمینه‌های اقتصادی از جمله اعطای وامها و کمکهای نا چیز به خرده تولید کنندگان، سرنامه رفرم ارضی و غیره بخوبی بیان کننده ماهیت این امتیازات و رفرمهای بورژوائیست که مجموعه منافع واقعی توده‌ها را تامین نمی‌کنند. بدین لحاظ از آنجائیکه سران خرده بورژوازی با بورژوازی سازش کرده‌اند و در قطعی‌ترین و مهمترین مسائل جانب بورژوازی را گرفته‌اند و نمی‌توانند منافع توده‌های خرده بورژوا را بطور واقعی در سازش با بورژوازی وابسته تامین کنند، بتدریج از پایگاه طبقاتی خویش جدا می‌شوند اما نه به یک جنبه که در رابطه با تضادهای درونی ارگان سازش پیش می‌آید توجه داشت. هرچند نمایندگان سازشکار خرده بورژوازی عملا" پیرو سیاست‌های کلی و عمومی بورژوازی هستند، اما این بدان معنا نیست که خود به نمایندگان مستقیم و ارگانیک بورژوازی تبدیل شده‌اند. آنها در ارگان سازش در همین وحدت، تضادهائی نیز دارند و این تضادها نیز گهگاه آشکار خود را

بقیه در صفحه ۸

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

www.iran-archive.com

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۶ ـ صفحه ۸

درباره ترکیب و ...

بقیه از صفحه ۷

نشان میدهد. آنها علاوه بر اینکه هنوز بطور کامل از پایگاه طبقاتی خویش جدا نشده اند دارای گرایشات صعیف ضد امپریالیستی نیز هستند این امر درباره ای موارد تضادهای درونی ارگان ستارش را تشدید می‌کند. اما باید در نظر داشت که این جنبه گرایش ضد امپریالیستی آنها تحت الشعاع جانب داری، حمایت و دنباله روی آنها از بورژوازی قرار می‌گیرد. سوپزه اگر با توجه به بحران سیاسی موجود و عمق بابی وحدت مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها و فشار آنها در جهت اقدامات اساسی ضد امپریالیستی، این گرایش ضد امپریالیستی را در نظر گیریم، آنگاه این مسئله بخوبی مفهوم خواهد بود. جنبه دیگر تضاد میان سازشکار خرده بورژوازی در ارگان سازش در رابطه با مذهب و امتیازات ویژه روحانیت نمود پیدا می‌کند. آنها می‌کوشند که امتیازات ویژه روحانیت را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی حفظ کنند. اما از آنجائیکه این امتیازات سابقا در مناسبات اجتماعی در جامعه سرمایه داری هماهنگی ندارد، موجب کشمکش و درگیریهائی می‌شود. روحانیتی که نمایندگی قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی را برعهده داشت و در رهبری جنبش قرار گرفت حتی پس از سازش با بورژوازی در ارزوی تحقق ولایت فقیه بسر می‌برد، اما هر روز که می‌گذرد واقعیات سرسخت آنها را به عقب نشینی وا می‌دارد، برخلاف تصورات واهی "کمیته مرکزی" و تحلیل بی‌پایه آنها در ضمیمه کار ۳۵ دگمهای روحانیت در عالم واقعیت نه بنفع خرده بورژوازی بلکه بنفع بورژوازی و سلسله موجود سابقا تنگه تنگ هم خواهد شد.

در اینجا باید به بررسی مسئله ای پرداخت که سوپزه در رابطه با شناخت موقعیت و نقش رهبری در قدرت دولتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و آن تفکیک قائل شدن بین قدرت صوری و قدرت واقعی است. واقعیت نفوذ و اتوریته رهبری در میان توده‌ها و یکی گرفتن این نفوذ توده ای با قدرت واقعی دولتی اینها ناشی از در مورد ماهیت و ترکیب ارگان سازش در رابطه با نقش خرده بورژوازی در ذهن عده ای پدید آورده است. این امر که درک مارکسیستی ـ لنینیستی از دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی ندارند بدون تفکر و تعمق پیرامون این مسئله که این اتوریته در خدمت چه نیروهائی قرار گرفته و ارگانهای اصلی اقتدار دولتی در دست چه کسانی است و در خدمت کدام طبقه است حکم "حاکمیت خرده بورژوازی" را صادر می‌کنند. آنها بر این مسئله پرده ابهام می‌کشند که رهبری با تائید و حمایت از دولت بازرگان و شورای انقلاب قدرت واقعی و ارگانهای اقتدار دولتی را به بورژوازی تفویض کرده است، رهبری گاه لیبرالها و گاه سران حزب جمهوری اسلامی را تائید و تقویت کرده است و امروز نیز اتوریته خویش را در جهت صحه گذاشتن بر سیاستهای بنی‌صدر و یا حزب جمهوری اسلامی به کار می‌گیرد.

> ... درحالی که رهبری قدرت واقعی دولتی و ارگانهای اجرائی را در دست بورژوازی قرار داده و با تائید کلیدات مکرر خود از بورژوازی دفاع می‌کند و مردم را به فرمانبرداری از آن دعوت میکند، تنها قدرت صوری و ظاهری را برای خود حفظ کرده است.

چه کسی می‌تواند منکر شود که ارگانهای قطعی اقتدار دولتی، ارتش و بوروکراسی، خلاصه ارگانهای سرکوب مادی در دست بورژوازی قرار گرفته است؟ حتی ارگانهایی نظیر سپاه پاسداران و کمیته‌ها که از دل قیام سر بر آوردند علیرغم ترکیب ناهمگون آنها که درباره‌ای موارد عملکردهای مترقی نیز داشته اند و علیرغم اینکه هنوز به لحاظ تضادهای درونی ارگان سازش بطور کامل در سیستم ارگانیک سرکوب ضد خلق ادغام نشده اند و این همان چیزیست که بورژوازی "لیبرال" از آن می‌نالد و شکوه می‌کند، با این وجود امروز به ضمائم ارگانهای سرکوب مادی بورژوازی تبدیل شده اند و تحت رهبری سایندگان آن همه جا در کنار ارتش، ژاندارمری و پلیس به سرکوب خلق می‌پردازند. بنابراین می‌بینیم در حالیکه رهبری قدرت واقعی دولتی و ارگانهای اجرائی را در دست بورژوازی قرار داده و با تائید کلیدات مکرر خود از بورژوازی دفاع می‌کند و مردم را به فرمانبرداری از آن دعوت می‌کند، تنها قدرت صوری و ظاهری را برای خود حفظ کرده است. رهبری این قدرت را دارد که بین بنی‌صدر، سازگان و بهشتی یکی را بر دیگران ترجیح دهد و از میان شاکر، جلالی، فلاحی یکی را بر سر جلوه دهد و در پست وزارت خارجه بجای سنجابی، یزدی بجای یزدی، قطبزاده را تائید کند، اما عملا باید قدرت واقعی در دست این افراد باشد و سیاستهای بورژوازی را آنها اعمال کنند. عدم درک قدرت واقعی و قدرت صوری و تفکیک قائل نشدن میان این دو قدرت منجر به آشفته فکری و دامن زدن به توهمات موجود شده است. تفکیک قائل شدن میان قدرت صوری و قدرت واقعی و گرایش اصلی از گرایش فرعی آن چیزی است که می‌تواند بدرستی ماهیت سازش خرده بورژوازی با بورژوازی و ماهیت بورژوائی دولت را به همه نشان دهد.

مسئله دیگری که بر ابهامات موجود پیرامون ترکیب و ماهیت حاکمیت افزوده است، تضادهای درونی ارگان سازش بویژه در فراکسیون اصلی بورژوازی در حاکمیت است. همانگونه که پیش از این گفتیم ارگان سازش ارگان ناهمگونی است که در آن جناح هایی از بورژوازی با نمایندگان سازشکار خرده بورژوازی شرکت دارند. ما تاکنون به تضادهای خرده بورژوازی با بورژوازی در ارگان سازش اشاره کردیم. اکنون به تضادهای فراکسیونهای بورژوازی بویژه دو فراکسیون اصلی آن می‌پردازیم. در ارگان سازش نقش مسلط را بورژوازی متوسط در اختیار دارد. بورژوازی متوسط خود بدو فراکسیون اصلی، "لیبرالها" و سران حزب جمهوری اسلامی تقسیم می‌شود. گرچه ماهیت سیاستهای این هر دو فراکسیون یکی است هر دو رسالت خود را در اساس بازسازی و تقویت مناسبات موجود قرار داده اند و این امر در سیاستهای عملی و برنامه

بقیه در صفحه ۹

www.iran-archive.com

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۱- صفحه ۹

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره ترکیب و...

بقیه از صفحه ۸

های شورای انقلاب با هزموسی حزب جمهوری اسلامی و دولت با ارگان و سپس سیاستهای بسی‌صدر بوضوح بسمایش گذاشته شده است. اما این دو در نحوه عملکرد و بازسازی مناسبات موجود و تقویت سیستم سرمایه‌داری بهردارند. آنها در عین بکاربردن شیوه‌های مرکب از آرا دیهای بورژوایی سیر دم می‌رسد، تضاد آنها با حزب جمهوری اسلامی بورژوازی بدرآنها سود پیدا

> از آنجاکه سران خرده‌بورژوازی با بورژوازی سازش کرده‌اند و در قطعی‌ترین و مهم‌ترین مسائل جانب بورژوازی را گرفته‌اند و نمی‌توانند منافع توده‌های خرده‌بورژوا را بطور واقعی در سازش با بورژوازی وابسته تأمین کنند، بتدریج از پایگاه طبقاتی خویش جدا می‌شوند.

ها، بیشتر سیاستها، تاکتیکها و با فتن نقش سی‌رقیب در حاکمیت با یکدیگر تضادی آشکار دارند.

رهبران حزب جمهوری اسلامی خواستار سلطه همه‌جانبه مذهب بر همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی هستند. بزعم آنها روسای ایدئولوژیک- سیاسی مذهبی بگانه روسای جامعه سرمایه‌داری وابسته محسوب می‌شوند. آنها خواستار پیوند آشکار دین و سیاست هستند. تاکتیکهای مبتنی بر قهر و اختناق که از خصلت طبقاتی و خصوصیات مذهبی آنها ناشی می‌شود، بگانه تاکتیکهایی هستند که از جانب آنها در جهت بازسازی سیستم و ایجاد روسای آرمانی‌شان به خدمت گرفته شده است. درحالیکه نمایندگان فراکسیون دیگر با اصطلاح "لیبرالها" می‌کوشند که با اتخاذ تاکتیکهای با اصطلاح "لیبرالی" به ترمیم و یا انحصارات امپریالیستی نمی‌توانست نمودی محسوس پیدا کند، اینک پاره‌ای اختلافها تضادهای فراکسیونهای مختلف و تضادهای آنها با جناحهائی از انحصارات امپریالیستی برای عده‌ای نامفهوم است. بهرحال آنچه که امروز بوضوح در جامعه عینا مجسم می‌خورد تضاد این دو فراکسیون است که هریک میکوشند نقش بی‌رقیب و سلطه هژمونیک خود را در حاکمیت تثبیت کنند و برزمینه این تضاد های درونی هیئت حاکمه و گسترش و عمق بابی مبارزات مردم است که. بحران اقتصادی و بیکاری موجود مدام شدت میابد. بنابراین با توجه به ترکیب و ماهیت بورژوائی ارگان سازش و نقش و موقعیت نیروهای شرکت‌کننده در آن، کمتر تردیدی باقی نمی‌ماند که وظیفه نیروهای انقلابی نه خنثا بت از این حاکمیت و با جناحی از آن و تلاش در جهت تثبیت آن بلکه

اپورتونیسم و...

بقیه از صفحه ۶

بورژوائی صحه می‌گذارند آنها علیرغم ساندن امتیازاتی به نفع قشر توقانی خرده‌بورژوازی و اختلاف بر سر برخی سیاست‌ها در مسائل قطعی و مهم همواره دنباله‌رو بورژوازی و سیاست‌های آن هستند. این نمایندگان عملا" در کنار بورژوازی قرار گرفته‌اند و در راه اتحاد با بورژوازی را برگزیده‌اند و حداقل تا زمانیکه در چنین موقعیت و موضعی قرار دارند، متحد خلق

> اپورتونیسم با کندکردن مبارزه طبقاتی جنبش ضدامپریالیستی را تضعیف می‌کند و به تلبیغ سازش طبقاتی می‌پردازد.

بشمار نمیآیند. اما اپورتونیزم که بجای دامن زدن به مبارزه طبقاتی و تعمیق مبارزه ضدامپریالیستی سعی در تخفیف مبارزه طبقاتی دارد، مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه طبقاتی جدا می‌کند و در

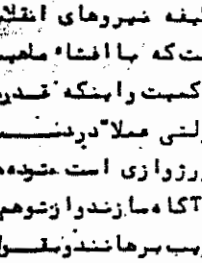

خدا مپریالیستی تنها و تنها از طریق پیشبرد و دامن زدن به مبارزه طبقاتی و تعمیق مبارزه ضدامپریالیستی سعی در تخفیف مبارزه طبقاتی دارد، مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه طبقاتی جدا می‌کند و در

> تقابل با آن قرار می‌دهد و از کارگران و دهقانان و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میخواهد که علیه قدرت دولتی و بورژوازی مبارزه نکنند تا مبارزه ضد امپریالیستی تقویت شود و رهبری خرده‌بورژوازی خرده‌بورژوازی شهر تا زمینه‌های وحدت با جناح خرده‌بورژوائی هیئت حاکمه فراهم گردد. در مقابل، انقلابیونی که برمبارزه طبقاتی پرولتاریا تکیه می‌کنند باید بدانند که گسترش و تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی و ایجاد زمینه‌های وحدت در جنبش

افشاء کل این ارگان است. اما امروز در شرایطی که هنوز توده‌های وسیعی از مردم نسبت آگاهانه به حاکمیت اعتماد دارند و وظیفه عاجل نیروهای انقلابی طرح شعار سرنگونی خومینی و بلاواسطه بلکه آگاه کردن و سازماندهی توده‌ها در جهت زدودن اعتماد ناآگاهانه آنهاست.

اگر سران سازشکار خرده‌بورژوازی بنا به ماهیت خود به توهم توده‌ها دامن میزنند و اعتماد به بورژوازی را بتوده‌ها می‌آموزند وظیفه نیروهای انقلابی است که با افشاء ماهیت حاکمیت و اینکه قدرت دولتی عملا" در دست بورژوازی است توده‌ها را آگاه سازند و از توهم و فریب برهانند و بقول لنین "عدم اعتماد به بورژوازی را به مردم بیاموزند".

(وظایف پرولتاریا در انقلاب)

www.iran-archive.com

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۶ ـ صفحه ۱۰

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چرا مبارزه ایدئولوژیک ....

بقیه از صفحه ۲

توسط کمونیستها را از طریق با سخگوئی مسائل مبرم فوق سانجام رسانیم . ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصولی جهت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه طبقاتی روبه انکشاف جامعه و راهگشای برخورد اصولی نسبت به اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم .

خط مشی دوم که از جانب اکثر اعضای کمیته مرکزی رهبری میشد ، برای حل بحران به مقوله‌های مجردی همچون " تحکیم اصول" و با "دستیابی سبک مسنای ایدئولوژیک حداقل مارکسیست ـ لنینیستی" (!!!) متوسل شد و برای پنهان کردن نظرات راست روانه خود، از برخورد مشخص با مسائل برنامه و تاکتیک به بهانه‌های مختلف طفره رفت .

جریان اکثریت علیرغم اینکه در ارزیابی ریشه اصلی بحران ، در حرف و ظاهر وجود دو دیدگاه متفاوت ایدئولوژیک را می‌پذیرفت اما در عمل یعنی درست هنگامیکه پلنوم به راه حل بحران پرداخت ، معلوم شد که علت اصلی بحران را در قبول یا رد مشی سابق گذشته از جانب اعضای سازمان جستجو می‌کند و عملا" با عمده کردن این وجه از اختلافات نقش سازمان در جنبش را آنچنان دگردیس میدهد و شرایط عینی مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان و ضرورت رهبری آگاهانه آن را نادیده گرفت. در حقیقت کمیته مرکزی با مواضعی که اتخاذ کرده بود، و هنوز هم بر آن اصرار می‌ورزد ، ایده‌ای را تبلیغ می‌کرد که براساس آن جنبش کمونیستی ایران محکوم به حداقل شدن از جنبش خودبخودی کارگران بود، زیرا هنگام ارائه راه حل بحران ، یعنی در شرایطی که موج جنبش های خودبخودی و اعتراضی کارگران از یکسو و مبارزه دموکراتیک دهقانان و خلقها برای کسب زمین و حق تعیین سرنوشت از سوی دیگر، با قدرت عظیمی ما را بدنساله روی میکشاند و دقیقا" بهمین جهت بسیج و تدارک نیروهای سازمان جهت طرح مسائی استراتژی و برنامه و تاکتیک پرولتاریا از مبرم ترین وظایف ما بشمار میآید، سخن گفتن از مبارزه ایدئولوژیک برای ارزیابی محدود تاکتیکهای گذشته بعنوان وظیفه عمده سازمان ، چه معنائی میتواند داشته باشد، جز آنکه بگوشیم نمایندگان چنین تفکری ، منافع گروهی و محفلی خود را بر منافع اساسی جنبش و مصالح طبقاتی کارگران ترجیح میدهند و آن آشفته فکری را که در این مدت محملی برای گسترش دیدگاه پراگماتیستی در سازمان بوده است تئوریزه کرده و در سطح تشکلات تبلیغ و ترویج میکنند . شیوه منافیریکی برخورد " کمیته مرکزی" نسبت به مبارزه ایدئولوژیک هیچ قرابتی با درک مادی و مفهوم مارکسیستی مبارزه ایدئولوژیک ندارد. عدم درک دیالکتیک رابطه متقابل میان مبارزه ایدئولوژیک سازمان با مبارزات طبقاتی کارگران در وضعیت حاد کنونی، خود نشانگر دیدگاه محدود و تنگ نظرانه " کمیته مرکزی" نسبت به منافع درازمدت جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک ـ توده‌ای ایران بود. سرانجام جلسات پلنوم بپایان یافت . پس از گذشت زمانی چند ، عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی سازمان که در پلنوم با دسته بندیهای مختلف تشکلاتی و بوروکراتیک به اهداف اولیه خود دست یافته بودند بعد از پلنوم (پس از آنکه دونفر از رفقای اقلیت ، یکی عضو کمیته مرکزی و دیگری عضو مشاور ، مطابق مصوبات پلنوم با هدف تدوین نظرات از هیئت تحریریه کار استعفاء دادند) میدان را برای به هوای اهداف راست روانه خویش ، بیش از پیش مناسب یافتند. اینبار با نقض مصوبات پلنوم که به پیشنهاد خود آنان تصویب شده بود و به این ترتیب با زیرپا نهادن هرگونه پرنسیب کمونیستی بحران را در همه ابعاد و زمینه‌های یاد شده بدرجه انفجار آمیزی رساندند. مصوبات پلنوم که مقرر میداشت تا تشکل گیری نهائی نظرات طی روند های مبارزه ایدئولوژیک و تعیین تکلیف گروهبندیهای سیاسی ـ ایدئولوژیک ، در کنگره ـ ای که بهمین مناسبت سمپاتی تشکیل شود هیچگونه تحلیل و موضع گیری ، چه در مورد حاکمیت کنونی ، بجز موضع گیریهای سیاسی ـ تبلیغی روزمره نباید صورت گیرد با بهانه‌های مختلف و تحت پوششهای گوناگون از جانب "کمیته مرکزی " نقض شد و این رفقا تدریجا " بطور

بقیه در صفحه ۱۴

خطاب به...

بقیه از صفحه ۲

انقلابی به ما حکم میکرد که به شکل جدیدی مبارزه ایدئولوژیک با گرایشات انحرافی در سازمان و در سطح جنبش را ادامه دهیم . ما این شکل جدید را با توجه به روابط فعلی درون سازمانی و در رابطه با وضعیت نیروهای هوادار سازمان صحیح‌ترین شکل مبارزه ایدئولوژیک میدانیم .

واقعیت شما نشان میدهد راهی که برگزیدیم اصولی‌ترین راه برای غلبه بر اپورتونیسم و کوشش در جهت وحدت جنبش کمونیستی است . ما اطمینان داریم که انتقادات و نظرات رفقای هوادار میتواند نظرات جناح انقلابی سازمان را همه جانبه‌تر ، دقیقتر و برنده‌تر کند. ما درک مسئولیت از طرف رفقای هوادار را در چند ماه گذشته بخوبی دیدیم . نامه‌های متعدد رفقای هوادار به کمیته مرکزی سازمان که در آن اطلاع خط و مشی سازمان خواسته شده بود ، بحثهای پرشور رفقا در ارگانهای توده‌ای سازمان ، جلب جزوات و متون کلاسیک مارکسیستی که مضمون آنها با شکلی علیه خط و مشی راست روانه کمیته مرکزی " سازمان بود یا تجزیات جنبش

بقیه در صفحه ۱۱

www.iran-archive.com

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۱۶- صفحه ۱۱

چرا مبارزه ایدئولوژیک ....

بقیه از صفحه ۱۰

بودسرانه به برکناری رفقای اقلیت از مسئولیتهای تشکیلاتی دست زدندو آنرا همچنان ادامه دادند.

(تحلیل های مندرج در "کار" ۲۵ شماره های پس از آن ، درمورد حاکمیت و سرمقاله های درج شده درارگانهای محلی شواهد عینی نفی مصوبات پلنوم ازجانب مرکزیت است. این مقاله ها بدون کوچکترین سطرحواهی از امضای سازمان وصرفا" سایه نظر مرکزیت نگاشته شده است.)

مبارزه" درون سازمانی ما علیه نفوذ و گسترش ایدئولوژی بورژوائی وخرده بورژوائی که عمدتا" بصورت مبارزه" ایدئولوژیک علیه تفکرات مرکزیت سازمان بازتاب داشته است، بهیچوجه مربوط به امورجزئی وبا محدود به مسائل تشکیلاتی نبوده بلکه به سبب ریشه های ایدئولوژیک - سیاسی عمیق آن ، درتمامی مسائل اساسی و مهم مبارزه" طبقاتی و در عرصه های تئوری و پراتیک خودرا نمایانده اند.

خط ومنی سیاسی سازمان وهمین طورسمت - گیری آن درمبارزه" ایدئولوژیک درونی و بیرونی که قاعدتا" میبایست سانگه سرساز های مبارزه" طبقاتی کارگران رهنمونی برای عمل سازمان وهواداران گردد، توسط "کمیته مرکزی" در مسیرهای انحرافی سوق داده شد. رفقای "کمیته" مرکزی " بدلیل آنکه هنوز دارای موضع پابداری نسبت به احزاب وجریان های عمده" حاکمیت و ماهیت طبقاتی آنان نیستندویادست کم از ابراز علنی وصریح آن تاکنون اجتناب ورزیده اند، پایه پای جرخش براست درسیاست ، تاکتیکها رانیزازاین لحظه تابه آن لحظه وازاین واقعه تابه آن واقعه اتخاذ کرده اند. چنین وضعیتی مبنای اتخاذ تاکتیکها و موضع گیریهای سازمان را نه درارتباط با اهداف استراتژیک بلکه اساسا تابع منافع آنی و سودمندی لحظه ای نموده است ،وبالاتراز این مرکزیت پیش از آنکه به منافع درازمدت جنبش کارگری و جنبش توده ای بیاندیشد ، به کسب نفوذ وداشتن " بایگاه توده ای" بشیوه" احزاب اپورتونیست اروپایی فکر میکند. ازاین روی به تبعیت

بقیه در صفحه" ۱۲

از اصل برنامه ای " جنبش همه چیز ، هدف هیچ چیز " ، عملا" ازاین اصل اساسی کمونیستی که بپیروزی طبقه کارگرو توده های رحمتکش تنها ازطریق بسیج و رهبری آنان حول سیاست مستقل پرولتاریایی امکانپذیراست ، جنبش پوشیده وبجای آنکه به منافع طبقاتی وتاریخی کارگران اساسا" درجستجوی منحدینی درمیان " بالائی ها "به جناحهای مختلف "هیئت حاکمه" چشم دوخته است .تسلط دیدگاه پراگماتیستی با ماهیت گرایش براست ازیکسووعدم اتکاء به توده های سازمانی وناديده انگاشتن سانترالیسم دموکراتیک از سوی دیگر، اینک کاملا" بصورت دو خصوصیت بارز "مرکزیت" درامر مبارزه" ایدئولوژیک و هدایت سیاسی - تشکیلاتی سازمان درآمده است .روند مبارزه طبقاتی و ضرورت موضع گیریهای مشخص وصریح درقبال مسائل وموضوعات حادسیاسی ، انعکاس خودرا بصورت تکامل مبارزه" بین دوخط مشی دردرون سازمان آشکارکرده است .اقدامات غیراصولی و غیردموکراتیک "مرکزیت" دربرقراری مناسبات غیرمنطقی بین جناح اقلیت واکثریت، روی گردانی از برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک اقلیت درامورسیاسی - ایدئولوژیک وتشکیلاتی، نادیده انگاشتن وبهیچ گرفتن نظریات توده های سازمانی در تدوین ، تصویب و پیشبرد خط و برنامه" سیاسی ، نقض مکرر ومتوالی ضوابط و اصول سازمانی با استفاده ازاهرمهای تشکیلاتی ازسویی و - عاملی که بیشتر ازهرچیزو به مثابه" عامل تعیین کننده درتصمیم گیری ما نقش داشته است یعنی - درپیش گرفتن روش آشتی جویانه و تسلیم طلبانه درمبارزه" طبقاتی ، صلح ومصالحه با این با آن جناح قدرتمند درحاکمیت دامن زدن به توهم توده ها و سمت گیری پرشتاب درتئوری وعمل سوی اپورتونیسم و تفکرحزب توده از سوی دیگر، ما را برآن داشته است که علیرغم مخالفت "مرکزیت" مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی را علنی کنیم .

آنچه که ما بدان بعنوان امری محوری در چارچوب حقوق دموکراتیک اقلیت سازمانی نیازمندیم و آنرا بمثابه اساس کارخود می شماریم ، مبارزه" ایدئولوژیک علنی است . بدیهی است که ما بدون اتکاء بوسیله" علنی

بقیه در صفحه" ۱۲

خطاب به...

بقیه از صفحه" ۱۰

کمونیستی جهانی در مبارزه علیه اپورتونیسم راست را بارگو میکرد، همه وهمه از آگاهی رفقا نسبت بمسائل مبرم جنبش کمونیستی حکایت میکند واین نشان میدهد که رفقا به این آموزش لنین وفادارند که میگوید:

"اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه اپورتونیسم توام نباشد جرعبارت پردازی پوچ یا فریب دیگری نخواهد بود" (لنین: برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی)" امادر شروع این شکل مبارزه لازم است چند نکته را یادآوری کنیم :

اولا" - اپورتونیستها میکوشند ما را ازپرداختن به مسائل مبرم وحیاتی جنبش دورکنند وبه برخورد با مسائل فرعی بکشانند، این تاکتیک انحرافی باتوجه به امکانات "کمیته مرکزی" میتواندبرای مدتی موثر واقع شود و پیشرد مبارزه ایدئولوژیک را بتاخیراندازد. بایدما هوشیاری وآگاهی تمام با این تاکتیک انحرافی مقابله کرد. بنظرما مبرم ترین مساله جنبش کمونیستی که درزنجیره مسائل مهم مربوط به این جنبش نقش حلقه اصلی

بقیه در صفحه" ۱۲

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

www.iran-archive.com

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۱- صفحه ۱۲

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خطاب به هواداران

بقیه از صفحه ۱۱

را بازی می‌کند، با توسل به ماهیت حاکمیت کنونی و استراتژی و تاکتیک کمونیستها در قبال آن است. بنظر ما دستیابی به این حلقه اصلی مقدم بر هرگونه بحث پیرامون مسائل گذشته سازمان و موضع‌گیری نسبت به سایر مسائل سیاسی داخلی و جهانی ضروری است.

باید توجه داشت، که مبارزه طبقاتی که اکنون در جامعه ما جریان دارد سطح تکامل این مبارزه طبقاتی و موانع اساسی موجود بر سر راه رشد و تکامل وجه سالنده این مبارزه باید اساس تئوریها و آموزشهای ما باشد.

ثانیاً- ما باید علیه کسانیکه می‌خواهند بدون پاسخگوئی به مسائل اصلی به مسائل فرعی بپردازند و نیز علیه کسانیکه با دست آویز قرار دادن مساله فوق خود را در اطاقهای دربسته محبوس کرده‌اند و هرگز در زندگی و مبارزه روزمره توده‌ها شرکت نمی‌کنند مبارزه کنیم و وظیفه ما تلفیق دیالکتیکی این دو مسئله است.

باید با شرکت فعال در مبارزه توده‌ها در جهت آگاه‌سازی و تشکل انقلابی آنها پاسخگوی مسائل اصلی و استراتژیک باشیم زیرا اگر نتوانیم به مسائل اصلی پاسخ دهیم ضرورتاً در هر اقدام فرعی خود علیه مسائل اصلی گام برداشته‌ایم. نمونه مشخص اینگونه برخورد انحرافی در حرکات "کمیته مرکزی" اپورتونیست سازمان ما بخوبی مشهود است. این آقایان که مبارزه علیه "لیبرالها" را عمده میگرفتند و با هیاهو میخواستند تسلیم طلبی خود را در قبال جناح دیگر حاکمیت توجیه کنند، چگونه در میزگرد روزنامه اطلاعات در کنار همین لیبرالها به بحث پیرامون "مسئله وحدت" میپردازند.

بنظر ما همه رفقا باید برای کمک به پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمک کنند و از همین رو لازم است که بطور فعال در این مبارزه ایدئولوژیک شرکت جویند، با تکیه بر تجربیات خود و بهر شکلی که با توجه به اوضاع عمومی جامعه صحیح تشخیص میدهند و با رعایت مسائل امنیتی به مباحث ایدئولوژیک حول مسئله مرکزی جنبش دامن بزنند، نظرات جناح انقلابی سازمان را بمیان توده‌ها ببرند و اختلافات اساسی این بینش را با بینش "کمیته مرکزی" روشن کنند. باید از مقاومت نیروهای انقلابی در مقابل سختی‌های این مبارزه ایدئولوژیک منشاء تاثیرات شگرف خواهد شد. شرایط کنونی جنبش طبقه کارگر و ظایف خطیری را در برابر ما قرار داده است و ما با قبول اینکه مارکسیسم لنینیسم علم رهائی پرولتاریاست باید بدانیم که در راه گسترش و غلبه این علم بر تئوریهای سوررئالیستی، ارتجاعی و غیرعلمی موانع بسیار موجود است در این مبارزه پرشکوه تنها زنان و مردان فداکار، سرشور و دارای عزمی استوار می‌توانند از موانعی که نیروهای میرنده جامعه در مقابل رشد این جریان انقلابی ایجاد می‌کنند با موفقیت بگذرند. باید هر لحظه به این کلام عمیق مارکس توجه داشت که گفت:

"در علم هیچ شاهراه عریضی وجود ندارد و فقط کسی که خستگی ناپذیر از راههای سنگی آن صعود می‌کند، قادر است به قلل پر تلالو آن دست یابد".

پیروز باشید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چرا مبارزه ایدئولوژیک....

بقیه از صفحه ۱۱

کردن مبارزه ایدئولوژیک با تمام قوا علیه گرایشهای اپورتونیستی "مرکزیت" مبارزه کنیم نمی‌توانیم بوظایف انقلابی خود عمل کنیم. از نظر ما، مبارزه ایدئولوژیک علنی نه تنها وسیله‌ای برای شناساندن هویت ایدئولوژیک - سیاسی جناح انقلابی سازمان در سطح جنبش کمونیستی - کارگری محسوب می‌شود، بلکه در درجه نخست تنها طریق مؤثر مبارزه انقلابی علیه گسترش گرایشهای اپورتونیستی و رویزیونیستی و تنها شکل حفظ محتوای انقلابی سازمان ما بشمار می‌آید. انتقاد ما هدف نیست، بلکه وسیله‌ایست جهت ایزوله کردن اپورتونیسم. این طریق مبارزه نه براساس بوروکراتیسم حاکم بر سازمان، بلکه بر بنیادی انقلابی استوار است.

چنین اقدامی از جانب ما، کوششی است که بمنظور بیدار کردن و آگاه کردن هواداران و نیز تمام آن کسانی صورت می‌گیرد که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی قائلند. بعقیده ما، در شرایطی که پراکندگی بر جنبش حاکم بوده و در بین ما نیز هنوز بر سر اصول ایدئولوژیک اختلافات اساسی بچشم می‌خورد، پیش از هرچیز باید همگان از ماهیت اختلافات و شیوه برخورد و جناح نسبت به مسائل مورد مشاجره آگاه شوند و درباره آن قضاوت کنند.

"در خاتمه باید متذکر شویم که، اگرچه ما از نفوذ عناصر تفکر اپورتونیستی در اندیشه "کمیته مرکزی" سازمان بسیار متاسف هستیم اما هیچگاه این آموزش لنین را فراموش نمی‌کنیم که: "حتی بهترین نمایندگان دموکراسی خود را بسوگواری بخاطر این یا آن تشتت فکری، تردید و بی‌اعتقادی به اصول محدود میبازند. لکن مارکسیستها، ریشه‌های طبقاتی این پدیده اجتماعی را جستجو می‌نمایند."

(لنین - مبارزه ایدئولوژیک در جنبش طبقه کارگر)

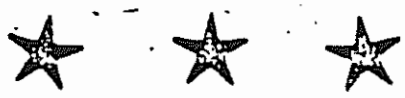

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

www.iran-archive.com